

تلاش مهم‌تر از اشتباه

پلی صحبت دکتر الهام شمسی زاده، آموزگار پایه‌ی اول

زهرة پیرهادی

الهام شمسی زاده آموزگار پایه‌ی اول است و مدرک دکترای روان‌شناسی کودکان استثنایی دارد. تعجبی هم ندارد، چون علاقه و داشتن هدف، تکلیف آدم را از اول روشن می‌کند. در محله‌ی مارلیک (ملارد)، از توابع استان تهران، متولد شده است. در دوران کودکی، به دلیل اینکه خانه‌شان در باغی بزرگ بود، بازی‌هایی را برای سرگرمی یا کنجکاوی، انجام می‌داد. می‌گوید، برکت آن روزهاست که اکنون در زندگی و کارش نمایان است. در دوره‌ی ابتدایی، با اینکه به یادگیری و آرزوی شاگرد نمونه‌بودن علاقه داشته، ولی هیچ‌وقت نوشتن را به شیوه‌ی رایج و کلاسی آن دوست نداشته و همیشه تلاش می‌کرده یادگیری را با شیوه‌ی خود بیاموزد. مثلاً کنار جوی آب می‌نشست و روی گل کلمه می‌نوشت. یا روی دیوار کاهگلی باغ حروف را کنده‌کاری می‌کرد. این چنین بود که علاقه به فلسفه و روان‌شناسی در او پدیدار شد. در حال حاضر، در کنار معلمی و کار مشاوره تخصصی در زمینه‌ی کودک و نوجوان، در دانشگاه‌های کرج مشغول تدریس است و تدریس را نه فقط برای آموزش، بلکه برای کسب تجربه و پژوهش‌های جدید دنبال می‌کند.



عکس: غلامرضا پیرهادی

■ خانم دکتر الان کج‌اتدریس می‌کنید؟

هم‌اکنون در دبستان بهار آزادی، ناحیه‌ی ۲ کرج، در پایه‌ی اول ابتدایی تدریس می‌کنم.

■ چرا آموزگاری را انتخاب کردید؟

بعد از ازدواج و داشتن یک فرزند دختر، وارد دانشگاه شدم. با توجه به علاقه‌هایم، در رشته‌ی روان‌شناسی شروع به تحصیل کردم. سعی می‌کردم برای آموزش‌هایم از تجربه‌های دیگران استفاده کنم و روش‌های خلاقانه‌ای را در آموزش به‌کار بگیرم. این روش‌ها به چشم مسئولان وقت خوش درخشیدند و بعد از گذشت یک سال، به‌عنوان مربی پیش‌دبستانی، وارد مدرسه‌های دولتی شدم. بعد از گرفتن مدرک کارشناسی، در دوره‌ی کارشناسی ارشد قبول شدم و از وجود پربار استادان آن زمان استفاده کردم. البته بیشترین تغییر در دیدگاهم رامدیون دوران تحصیل دکتراهستم. از همان ایام، چند واقعه‌ی مهم در زندگی‌ام ورق خورد؛ مانند تبدیل وضعیت در آموزش و پرورش به نیروی قراردادی؛ شروع فعالیت‌های دیگری همچون عضویت در گروه تألیف محتوا در استان البرز؛ مشاوره‌ی کودک و نوجوان زیر نظر استادان هیئت علمی استان؛ تدریس دوره‌های آموزشی ضمن خدمت استان و نواحی. اما به نظر من آموزگاری صرفاً آموزش دادن به دیگران نیست، بلکه باعث یادگیری و اندوختن تجربه‌های ارزشمند جدید می‌شود. علاقه‌ی من به آموزش دادن مهارت‌ها به کودکان، باعث ورودم به این عرصه شد. با گذر زمان، علاقه و کنجکاوی‌ام در رابطه با آموزش به کودکانی که در یادگیری ناتوان‌اند بیشتر شد.

■ از تغییر نگرش‌تان بیشتر بگوئید؟

نگرش من از آموزش صرف به پرورش برای آموزش تغییر پیدا کرد. این تغییر در بعضی حیطه‌ها، به‌خصوص در حیطه‌های انگیزشی، رفتاری و تربیت اجتماعی، به‌روز کرده است. از نظر من مطالعه دنیای جدیدی را پیش روی فرد باز می‌کند. شاید یکی از دلایل آن، انجام بیش از حد تحقیقات، داشتن استادانی خبره، آشنایی با تجربه‌ی افرادی که در یک حوزه‌ی تخصصی مثل خودم کار می‌کنند و انجام فعالیت‌های عملی و تخصصی باشد. همه‌ی این موارد بر نگرش فرد تأثیر گذارند. به‌طور مثال، ایجاد انگیزه برای نوشتن، از خود نوشتن مهم‌تر است و ابزارش نسبت به هر دانش‌آموزی با دانش آموز دیگر متفاوت است. مثلاً اگر کودکی در کنار مشکل یادگیری‌اش مشکلات رفتاری داشته باشد، تا مسائل رفتاری حل نشوند، آموزگار یا والدین به‌سختی



کتاب‌ها و مقالات دکتر شمس‌زاده

- مقاله‌ی تأثیر آموزش نشانه‌های فارسی با حرکات دست، بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دیرآموز در مقطع ابتدایی؛ همایش داخلی، سال ۹۶.
- تأثیر آموزش نشانه‌های فارسی با حرکات دست بر دقت و تمرکز دیداری در کاهش نقایص پردازش دیداری و افزایش یکپارچگی حسی و حرکتی در دانش‌آموزان اسپرگر. همایش داخلی، سال ۹۷.
- دو جلد کتاب «چه قدر منو می‌شناسی ۱ و ۲» برای کودکان دبستانی.

معلیان به یادماندنی من

شوخی طبع، بدله‌گو، پر حوصله و پراثرزنی بودند. حتی در صداکردن دانش‌آموزان و درس دادن، خنده‌چاشنی کارشان بود. یکی از خاطرات من به روز اول مدرسه در کلاس درس مربوط است. بچه‌ها داشتند با ذوق وسایل مدرسه‌شان را به هم نشان می‌دادند. من در بین وسایلم مدادقرمز نداشتم. چون شناختی از مدرسه و معلم نداشتم، شروع به گریه کردم. نکند خانم معلم مرا دعوا کند! معلمم با لبخند دستی به سرم کشید. پیشانی مرا بوسید و گفت، نگران مدادت نباش.

مهم نیست املاهای کودک چند غلط دارد. مهم این است که او برای نوشتن تلاش کرده و بسیاری را درست از آب در آورده است. چهارم، به آن‌ها خاطر نشان کردم، هیچ‌کسی در کلاس نفر اول نیست. در کلاس همه اول‌اند؛ چه کسی که راحت یاد می‌گیرد و چه کسی که سخت می‌آموزد.

■ اگر کلاس‌های مجازی طولانی شوند، چه اثراتی بر دانش‌آموزان خواهند داشت؟

اگر امکانات حرفه‌ای و تخصصی برای آموزش مجازی فراهم شوند، اثرات مخرب کمتری بر جای خواهند گذاشت؛ معضلی که چه در آموزش‌های حضوری و چه در آموزش‌های مجازی می‌تواند وجود داشته باشد، بیشتر برای دسته‌ای از دانش‌آموزان است که به دلایل مختلف نقص‌هایی در برخی از حیطه‌ها، از شناختی تا طیف عاطفی و اجتماعی دارند، یا خانواده‌های از هم پاشیده یا خانواده‌هایی که فقر آموزشی دارند. این دسته از کودکان، به دلایل وجود مشکلات رفتاری و نابهنجاری‌های خاص، در حیطه‌ی کودکان خاص قرار می‌گیرند. طولانی شدن سیستم مجازی می‌تواند اثرات نامطلوب و جبران‌ناپذیری برای آنان داشته باشد، زیرا آن‌ها به مداخله‌ی بهنگام نیاز دارند و هر چه مداخله دیرتر انجام گیرد، درمان و آموزش آنان سخت‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر می‌شود.

■ آموزگاران تا چه باید از علم روان‌شناسی اطلاع داشته باشند؟

از آنجا که فراگیرندگان در هر یک از دوره‌های آموزشی نیازهای ویژه‌ای دارند و همه‌ی دانش‌آموزان شبیه هم نیستند و باید اصل تفاوت‌های فردی برای آنان لحاظ شود، بنابراین، آشنایی آموزگاران با خصوصیات رشد همه‌جانبه و نیازهای دانش‌آموزان در هر یک از دوره‌های تحصیلی، می‌تواند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آن‌ها بسیار مؤثر باشد. برای تحقق چنین امری، آموزگار باید از کاربرد روان‌شناسی در آموزش آگاه باشد تا به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. اما این را هم باید مدنظر قرار دهیم که معلم نمی‌تواند موقعیتی فراهم کند که تمامی شاگردان به عالی‌ترین سطح نیازهای رشدی برسند؛ چون هر چه بخواهد در این زمینه تلاش کند، باز هم ممکن است از نظر زمانی، تعداد دانش‌آموزان، همکاری نکردن والدین و وجود دانش‌آموزانی که مشکلات رفتاری بالادارند، محدودیت‌هایی را ایجاد کند. ■ از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید متشکریم.

می‌توانند بر مشکلات آموزشی او فائق آیند.

■ جریان یاددهی و یادگیری را در کلاس مجازی خود چگونه و با چه راهبردی پیش می‌برید؟

در آموزش‌های مجازی خود، انگیزش، خودکارآمدی، رشد سطح عزت‌نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، انجام فعالیت‌های سرگرم‌کننده مثل دست‌ورزی به جای نوشتن محض را در جریان آموزش قرار داده‌ام. انگیزش، مطالعه و درس خواندن، نیروی محرک لازم برای موفقیت و دستیابی به اهداف آموزشی به‌شمار می‌آید.

■ آیا می‌توانید تفاوت‌های یادگیری یادگیرنده را در فضای مجازی تشخیص دهید؟ چگونه؟

به نظر من برای درک موقعیت، شخصیت و ویژگی‌های یادگیرنده در شرایط مجازی، نیاز به طول زمان، دقت، مشاهده‌ی دقیق عوامل (بدون سوگیری و قضاوت)، وقت کافی، علم دستیابی به تشخیص درست، شناخت نوع ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی مجازی نیاز داریم. شاید این برای هر آموزگاری امکان‌پذیر نباشد. ما باید این را بپذیریم که هر طرحی نقاط قوت و ضعفی دارد. همان‌طور که در سیستم‌های حضوری کلاس‌های درس، گاهی تشخیص‌های اشتباه به وجود می‌آیند، در سیستم‌های مجازی هم این احتمال مطرح است.

خودم، اولین تلاشی که برای حل این مسئله کردم، ایجاد حس اعتمادسازی در خانواده‌ها بود. برای ایجاد آن چند کار اساسی انجام دادم. اول از همه آگاه‌سازی آن‌ها از طول دوره‌ی تحصیل، آشنایی با اضطراب‌ها و نگرانی‌هایشان در این دوره‌ی آموزشی، بیان فزاینده و نشیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در طول دوره، تفاوت در نوع یادگیری‌ها، سبک فرزندپروری، نوع شخصیت خودشان و آسیب‌هایی بود که شاید ناخودگانه بر فرزندشان وارد کنند. این جلسات را در طول چند جلسه پخش زنده، در برنامه‌ی شاد به اجرا در آوردم. دوم، آن‌ها را معلم اول و آخر فرزندشان خطاب کردم و خود را راهنمایی بیش در این حیطه ندانستم. به همین منظور، روش‌هایی را برای ارزیابی نوع و سطح یادگیری فرزندانشان به آن‌ها آموختم و اطمینان دادم به دنبال قضاوت دانش‌آموزان نیستم و نتیجه‌ی کارهایشان برام مهم نیست. این تلاش آن‌هاست که تشویق می‌شود، حتی اگر نتیجه به بدترین شکل در بیاید. سوم، روحیه‌ی مثبت‌نگری را در خانواده‌ها افزایش دادم. آموختم منفی‌ها به چشم من نمی‌آیند. آنچه در نظر راهنما مهم است، وجه مثبت است. مثلاً یکی از این آموزش‌ها این است که